

مدیریت نظامی

شماره ۲۸، زمستان ۱۳۸۶

ص ص ۴۰-۲۶

بررسی جامعه شناختی عوامل مؤثر بر موفقیت‌های ایران در جنگ با عراق

Morad Saki Zade

مراد ساکی زاده

چکیده

پس از تهاجم سراسری ارتش عراق و تصرف بسیاری از شهرها و روستاهای مرزی، ارتش ایران مأموریت یافت تا پس از متوقف نمودن متجاوز، مناطق اشغال شده را آزاد سازد. در سال دوم جنگ از ۵ مهر ماه ۱۳۶۰ تا سوم خرداد ۱۳۶۱ که به سبب پیروزی‌های به دست آمده، باید آن را برای ایران سال طلایی نامید، توسط ارتش و سپاه چهار عملیات بزرگ و سرنوشت‌ساز طرح‌ریزی و با شرکت فعال مردم اجرا گردید. طی این سلسله عملیات، مناطق اشغالی آزاد و ایران در موضع برتر نظامی قرار گرفت. بر اساس این بررسی، عوامل مختلفی در این موفقیت‌ها نقش داشته‌اند که مؤثرترین آنها عبارتند از: حضور گسترده و فعال مردم در جنگ، همکاری، وحدت ارتش و سپاه، انگیزه و میل جنگجویی بالای نیروهای ایرانی و استفاده از نقاط ضعف دشمن.

موفقیت، استراتژی، توان رزمی، سال طلایی، دکترین نظامی، موج انسانی، انگیزه

A Sociological Study of the Effective Factors in the Victory of Iranian Forces in Iran-Iraq imposed War

Abstract

Subsequent to a full-fledged assault launched by the Iraqi Army and the resultant occupation of many Iranian border cities and villages, the Iranian Army was assigned to first stop further advancements of the invader, and then liberates the occupied lands. In the second year of the War; September ۲۶, ۱۹۸۱-May ۲۴, ۱۹۸۲, which should be identified as a Golden Year for Iran given the breakthrough victories, four great and destiny-changing military operations were planned and through active involvement of the Iranian nation in the form of popular forces called Basij implemented. Consequently, the occupied lands were liberated and Iran managed to enjoy a dominant military position. Such an achievement could be attributed to various parameters that among them active public participation in the War, cooperation and unity between the Iranian Army and the Islamic Revolution Guard Corps, higher motivation and willingness to fight among the Iranian forces and taking the advantages of the weak points of the enemy forces are the most significant ones.

مقدمه

از آنجا که پیروزی انقلاب اسلامی ایران یک خطر جدی علیه منافع غرب در منطقه به شمار می‌رفت، دشمنان ایران در صدد برآمدند تا با هدایت جریان‌های سیاسی، این انقلاب را مهار نمایند. پس از رسوایی نظامی آمریکا در صحرای طیس به مدد لطف و عنایت الهی و شکست طرح کودتای نوژه در تاریخ ۲۰ تیر ماه ۱۳۵۹، دشمنان این انقلاب تحمیل یک جنگ و حمله نظامی توسط یک کشور ثالث را مؤثرترین اقدام برای شکست نظام نوپای ایران می‌دانستند.

عراق و در راس آن صدام حسین که کینه‌های دیرینه‌ای نسبت به ایران داشت، مناسب‌ترین گزینه بود. «رژیم عراق با تحریک دشمنان ایران بالاخص آمریکا، پس از ایجاد تشنج در روابط خود با ایران و تشویش اذهان عمومی و بین‌المللی، در تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ حمله گسترده‌ای را به مرزهای ایران آغاز و مناطق وسیعی را در شمال غرب، غرب و جنوب غرب ایران اشغال نمود.»

طرح مسأله

پس از تهاجم همه‌جانبه ارتش عراق و اشغال بخش وسیعی از مناطق مرزی، ارتش ایران که به دلایل مختلفی قدرت رزمی آن به شدت کاهش یافته بود^۱، استراتژی متوقف نمودن ارتش عراق را در پیش گرفت. ارتش ایران در همان روزهای نخست جنگ با کمک نیروهای مردمی موفق به تثبیت ارتش عراق شد، به طوری‌که در کلیه مرزها نیروهای عراقی زمین‌گیر شدند. پس از متوقف کردن پیشروی‌های دشمن، مأموریت نیروهای مسلح ایران،

^۱ علل کاهش قدرت رزمی ارتش ایران عبارت بودند از: کاهش استعداد پرسنلی یگان‌ها، پایین آمدن سطح انضباط در یگان‌ها، تعویض غیر اصولی فرماندهان واجد شرایط، شعار تشکیل ارتش بی‌طبقه در یگانها، شایعه انحلال ارتش، جو بی‌اعتمادی به پرسنل کادر ارتش، تاراج وسایل و تجهیزات پاره‌ای از یگانهای ارتش و ...

آزاد سازی مناطق اشغال شده توسط ارتش عراق بود. اما در سال اول جنگ، علی‌رغم طرح-ریزی و اجرای عملیات‌هایی محدود در مناطق مختلف، موفقیت چشمگیری حاصل نشد. به عبارت دیگر، «استراتژی ارتش ایران در سال دوم جنگ تغییر کرد و از تاریخ ۵ مهر ماه ۱۳۶۰ تا تاریخ ۱۰ اردیبهشت ۱۳۶۱ چهار عملیات بزرگ و گسترده را طرح ریزی و اجرا نمود» که در این عملیات‌ها، ضمن انهدام بخش عمده‌ای از نیروها و امکانات دشمن، کلیه مناطق اشغال شده آزادسازی شد.

از آنجا که این مرحله یعنی سال دوم جنگ، نقش تعیین‌کننده‌ای در جنگ ایران و عراق داشته است، من از آن به عنوان **سال طلایی** ایران در جنگ با عراق یاد می‌کنم. حال مسأله اصلی در این بررسی این است که چه عواملی در موفقیت و پیروزی نیروهای مسلح ایران در سال دوم جنگ نقش مهمتری داشته است؟

روش تحقیق

در این مطالعه از روش تحقیق اسنادی استفاده شده است. منابع مورد استفاده برای گردآوری داده‌ها عبارت است از: منابع داخلی، که مهمترین مباحث را شامل می‌شود.

اهمیت بررسی

برخی افراد پدیده جنگ را چنان بدیهی و عادی می‌پندارند که نیازی به بررسی جامعه-شناسانه آن نمی‌بینند. آیا به راستی چنین است؟ اگر چنین نیست، چرا واقعا جنگ مهم است و باید به شناخت دقیق و همه جانبه آن پرداخت؟ شاید ساده‌ترین پاسخ این باشد که جنگ خسارت‌های فوق‌العاده‌ای به نیروهای انسانی و امکانات مادی بشر می‌زند و نه تنها نیروهای انسانی را از بین می‌برد، بلکه آسیب‌های روحی و روانی شدیدی هم بر آنان وارد می‌سازد. جنگ در مقایسه با بیماری‌های مهلک و کشنده‌ای مانند مالاریا، وبا، طاعون،

سرطان و ایدز ترسناک‌تر و وحشت آفرین‌تر است ولی آیا به میزانی که برای شناخت و علاج آن بیماری‌ها تلاش و کوشش و سرمایه‌گذاری می‌گردد، برای شناخت علل و عوامل جنگ‌ها، متوقف کردن آنها و جلوگیری از وقوع آنها اقدامی صورت گرفته است؟

شناخت اصولی و علمی عوامل مؤثر بر پیروزی‌ها و موفقیت‌های ایران در جنگ با عراق در راستای تقویت نقاط قوت نظامی و مرتفع نمودن نقاط ضعف احتمالی می‌تواند نقش مؤثری را ایفا نماید و نتایج آن مورد استفاده دکترین نظامی و طراحان ملی قرار گیرد.

چارچوب نظری تحقیق

از آنجا که نظریه نظام اجتماعی تالکوت پارسونز^۱ به کارکردهای اساسی که در بقا و دوام هر جامعه نقش اساسی دارند پرداخته است و این کارکردها ابزارهایی هستند که می‌توان به وسیله آن هر جامعه‌ای را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد، لذا به عنوان چارچوب نظری و قالبی مناسب برای تفسیر داده‌های این تحقیق برگزیده شده است.

پارسونز نظام اجتماعی را متشکل از چهار خرده‌نظام می‌داند. مهمترین آن «نظام فرهنگی»^۲ یا خرده‌نظام فرهنگی است. این نظام ترکیب یافته است از ایده‌ها، آرزوها، اعتقادات، باورهای جمعی و آداب و رسوم زندگی اجتماعی که فرد از جامعه حال و گذشته‌اش فراگرفته است. مهمترین کارکرد این خرده‌نظام «پایداری»^۳ یا بقا می‌باشد. به عبارتی، کارکرد نظام فرهنگی حفظ الگوهای فرهنگی است.

دومین نظام، «نظام اجتماعی»^۴ است که شرایط کارکردی ساخت جامعه را بر عناصر موجود نهادهای اجتماعی تحمیل می‌کند. کارکرد این خرده‌نظام، حفظ «انسجام»^۵ نظام می‌باشد.

^۱ . Talcott Parsons

^۲ . Cultural system

^۳ . Latency

^۴ . Social System

^۵ . Integration

یعنی نظام‌های اجتماعی کوچکی که درون این نظام اجتماعی بزرگ قرار دارند باید به مسایل اجتماعی و روابط اجتماعی پاسخ مثبت دهند و سعی در جلوگیری از پراکندگی نمایند، عدم پیوستگی را از بین ببرند و وحدت ایجاد کنند تا بدین طریق بتوانند در حفظ حیات جامعه مفید واقع شوند.

سومین نظام، «نظام شخصیتی»^۱ است که بر چگونگی انتخاب راه‌ها و نحوه رسیدن به اهداف تاثیر می‌گذارد. مهمترین کارکرد این خرده نظام بدست آوردن اهداف می باشد.

این سه خرده نظام، محیط اجتماعی را شکل می‌دهند و چهارمین خرده نظام یعنی خرده نظام ارگانیسمی یا اندام‌واره ای، محیط طبیعی را در خدمت به نظام اجتماعی شکل می‌دهد. کارکرد این خرده نظام ایجاد «تطابق»^۲ است. نظام اندام‌واره ای اگر بتواند کار خود را انجام دهد، یعنی بین نیازهای اجتماعی و اهداف اجتماعی تطابق به وجود آورد، جامعه منظم پیش می‌رود و اگر نتواند کارکردش را درست انجام دهد و یا کارکرد ناقص داشته باشد، مسلماً جامعه دچار نوسان خواهد شد.

چنانچه سال دوم جنگ را که چهار عملیات بزرگ و موفق ثامن الائمه، طریق القدس، فتح المبین و بیت المقدس طرح‌ریزی و اجرا گردید، موفق‌ترین دوره ایران در جنگ با عراق بدانیم، و با توجه به هدف اصلی این بررسی که تبیین و تفسیر عوامل مؤثر بر موفقیت‌های ایران در جنگ با عراق در چارچوب نظریه پارسونز می باشد، در ادامه به بیان مهمترین عوامل مؤثر در این پیروزی‌ها پرداخته خواهد شد.

^۱ . Personality System

^۲ . Adaptation

الف- حضور گسترده‌ی مردم در جبهه‌ها

«پس از حذف لیبرال‌ها و منافقین و تامین ثبات سیاسی، زمینه حضور مردم در صحنه سیاسی کشور فراهم شد. در سایه معنویت ایجاد شده در کشور و معنویت موجود در جبهه‌های جنگ، زمینه‌های حضور گسترده مردم در جبهه‌ها نیز عملاً مهیا شد.

بدون شک حضور قابل توجه و گسترده نیروهای مردمی در جبهه‌ها نقش بسیار مؤثری در موفقیت عملیات‌های چهارگانه داشته است. عاملی که دنیا از درک آن کاملاً عاجز ماند و غربی‌ها آن را تاکتیک موج انسانی تعبیر کردند.

امام خمینی در این زمینه فرمودند:

در دنیا شاید بی‌نظیر باشد و شاید در طول تاریخ هم نظیری برایش نتوانیم پیدا کنیم که بچه‌های کوچک و جوان‌های میانسال و زن‌ها، پیرزن‌ها، عروس‌ها و دامادها همه با هم در جبهه‌ها حاضرند و صحنه جنگ صحنه‌ای است که ملت در آن حاضرند».

تاریخ جنگ ایران و عراق، سرشار از فداکاری و جانبازی نیروهای مردمی است. همانند آن بسیجی نوجوان که خود را به زیر تانک دشمن انداخت و خاطره‌ای به یاد ماندنی در دل مردم ایران به جای گذاشت و رهبر انقلاب از وی به عنوان «رهبر» یاد نمودند.

در پشت جبهه‌ها نیز، مردم علی‌رغم تنگناها و مشکلات اقتصادی فراوان، کمک‌های نقدی، جنسی، خدماتی و پشتیبانی خود را راهی جبهه‌های نبرد می‌کردند.

حضور نیروهای مردمی در جبهه‌ها با آغاز عملیات طریق‌القدس (آزاد سازی بستان) رونق گرفت به طوری که این عملیات را تجلی‌گاه نیروهای مردمی اطلاق کردند. در عملیات فتح‌المبین حضور نیروهای مردمی سازمان یافته‌تر و منظم‌تر شد و در عملیات بیت‌المقدس این حضور تخصصی‌تر و تفکیک یافته‌تر گردید.

«نیروهای بسیج مردمی که در عملیات بیت‌المقدس سازماندهی شده شرکت داشتند، حدود ۱۳۴ گردان بود. استعداد نیروی آفندکننده برابر اصول عملیات آفندی نسبت به نیروی

مقابل می‌بایستی دارای برتری کمی ۳ به ۱ باشد. در عملیات بیت المقدس علی‌رغم حضور نیروهای مردمی، استعداد نیروهای ایران به حدود ۱.۷ به ۱ رسید و این استعداد از نظر اصول جنگ استعدادی کافی جهت انجام یک عملیات آفندی وسیع و مهم به حساب نمی‌آید. اما از آنجا که ایمان، روحیه جنگندگی و انگیزه نیروهای مردمی و یگان‌های ارتش و نیروهای سپاه که در این عملیات شرکت داشتند، عامل قابل اتکایی بود با همین استعداد عملیات را آغاز نمودند و به آن موفقیت عظیم دست یافتند.

حضور بسیار گسترده و پررنگ مردم در جبهه‌های جنگ، نشأت گرفته از ایمان، تقوا، ایده‌ها، اعتقادات، باورهای جمعی و آداب و رسوم مردم یا همان نظام فرهنگی مورد نظر پارسونز بود که موجب پایداری و دوام جنگ شد. همان‌طور که امام خمینی فرمودند: این پیروزی‌ها را قدرت ایمان به بار آورد نه نیرو و افراد یا تجهیزات زیاد. به عبارت دیگر، نیروهای مسلح ایران با پشتیبانی همه‌جانبه مردم در جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها و با اتکا به نیروی ایمان در مقابل ارتش تا دندان مسلح عراق ایستادند و عملیات‌های موفقی را انجام دادند که تمام جهان از آن متحیر ماند.

ب- همکاری و هماهنگی ارتش و سپاه

در پی حذف بنی صدر، مقدمات همکاری جدی نیروهای نظامی (ارتش و سپاه) فراهم شد. همکاری‌های متقابل سپاه و ارتش در جوی سرشار از تفاهم، به رفع بسیاری از توهمات و تبلیغات سوء گذشته انجامید. شهادت فرماندهان بلند پایه ارتش و سپاه در مورخه ۱۳۶۰/۷/۸، علی‌رغم سنگینی سایه فقدان آنان، موجب پیوند عمیق معنوی در میان نیروهای مسلح گردید. پس از تغییر و تحولات ایجاد شده در رده‌های بالای ارتش و واگذاری مسئولیت نیروی زمینی به شهید صیاد شیرازی، وی نظر ویژه‌ای به همکاری تنگاتنگ بین نیروهای مسلح (ارتش و سپاه) داشتند. همواره روی این موضوع تاکید می‌-

کردند و اصرار داشتند که کلیه عملیات‌ها می‌بایستی به طور هماهنگ توسط ارتش و سپاه طرح‌ریزی و اجرا گردد.

مأموریت‌های واگذاری به نیروهای مسلح در عملیات‌های چهارگانه، بیانگر وحدت و هماهنگی میان ارتش و سپاه بود، زیرا در این مأموریت‌ها منطقه عمل ارتش و سپاه تفکیک نگردیده بود و نیروهای مسلح عملیات‌ها را به صورت مشترک و با هدایت و فرماندهی فرماندهان مربوطه انجام می‌داند.

سازمان نیروهای شرکت‌کننده در عملیات‌های موفق از نیروهای ارتش و سپاه و به صورت ترکیبی سازماندهی شده بودند. این‌گونه سازماندهی و کارکردهای مثبتی که به همراه داشت، نشان از صداقت و خلوص نیت نیروهای مسلح بود که هدفی جز نابودی دشمن نداشتند. این نیروها به طور هماهنگ تمام تلاش و کوشش خود را به کار گرفتند تا به اهداف طرح‌ریزی شده که همانا عقب راندن دشمن از سرزمین خود بود، برسند.

شهید صیاد شیرازی در خاطرات خود می‌گوید :

«... بچه‌های سپاه هیچ‌گونه توپخانه‌ای نداشتند. فکر کنم سنگین‌ترین سلاح آنها خمپاره بود، حتی همین‌ها هم فعال نشده بودند تلفیق این دو نیرو در قرارگاه مشترک و در خط، قابل توجه است. در قرارگاه ستادمان را متشکل کرده بودیم به یک ستاد عملیات واحد. هر کس وارد آن می‌شد فرماندهی واحد را بر عملیات احساس می‌کرد. بنده و برادر رضایی هر دو یکی محسوب می‌شدیم. یعنی مراجعین یک حرف را نتیجه می‌گرفتند و این همان وحدت به معنای واقعی بود، که دو جسم بودیم ولی روح و فکرمان یکی بود، وحدت کلمه داشتیم و یک واحد بودیم.»

بدون شک نقش شهید صیاد شیرازی بر همکاری بین ارتش و سپاه انکار ناپذیر است و همین وحدت در طراحی و اجرای چهار عملیات بزرگ و موفق ایران نقش مهمی را ایفا نمود.

طبق نظریه نظام اجتماعی پارسونز، نظام‌های اجتماعی کوچکی که درون یک نظام اجتماعی بزرگ قرار دارند، می‌بایستی عدم پیوستگی و پراکندگی را از بین ببرند و وحدت ایجاد کنند تا بتوانند در حفظ حیات جامعه نقش مفید خود را ایفا نمایند. به عبارتی کارکرد نظام اجتماعی بزرگ، انسجام بخشیدن به نظام‌های اجتماعی کوچکی است که در درون آن قرار دارند. یعنی نظام نوپای جمهوری اسلامی با رهنمودهای کریمانه امام خمینی وحدت و همبستگی عمیقی بین ارتش و سپاه ایجاد نموده بود وحدتی که موفقیت‌های چشمگیری را به دنبال داشت. گوشه‌ای از این موفقیت‌ها، حفظ استقلال ارضی، حفظ انقلاب و دستاوردهای آن، انهدام نیروهای دشمن و بیرون راندن از سرزمین خود بود.

ج- روحیه و انگیزه

عامل مهم و مؤثر دیگر، داشتن روحیه تهاجمی عالی و انگیزه کافی بود. در نبرد طریق-القدس این روحیه سلحشوری و تهاجمی در عالی‌ترین درجه در نیروهای مسلح و نیروهای بسیج مردمی وجود داشت و اعتقادات و ایمان به اصالت نبرد بر علیه متجاوزانی که بر خلاف تمام موازین بین‌المللی و حقوق همسایگی به خاک کشور ایران هجوم آورده و مناطق وسیعی را بدون هیچ گونه دلیلی به ویرانی و نابودی کشیده و شهرها و روستاها را با خاک یکسان نموده و مصائب زیادی را به بار آورده بود، میل به جنگیدن و تاختن بر دشمن را در رزمندگان ایرانی به شدت افزایش داده بود و این میل جنگجویی توان رزمی نیروهای ایرانی را نسبت به عراقی‌ها افزایش می‌داد.

در غزوه بدر در رمضان سال دوم هجری، مسلمانان هم از لحاظ نیروی انسانی و هم از لحاظ تجهیزات، توانشان در مقابل دشمن یک به سه بود اما پیامبر اسلام در جایگاه رهبری نظامی ابتکاراتی به خرج داد که نتیجه جنگ را به نفع خود تغییر داد. در جنگ ایران و عراق نیز از حیث سلاح و تجهیزات کفه ترازو کاملاً به نفع عراق بود ولی انگیزه و توان روحی

برتر نیروهای مسلح و نیروهای مردمی و روحیه شهادت طلبی آنان که برای رفتن به جبهه‌ها گوی سبقت را از هم می‌ریبوند، یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین عوامل مؤثر در موفقیت و پیروزی نیروهای ایرانی در جنگ با عراق، بالاخص در چهار عملیات سرنوشت ساز بود. این عامل نیز ناشی از مهم‌ترین خرده نظام یعنی نظام فرهنگی است. نظامی که در تعیین سرنوشت هر جامعه نقش انکارناپذیری دارد. عمیق و ریشه‌دار بودن این ایده‌ها، اعتقادات و باورهای جمعی مردم ایران سبب تقویت روحیه و انگیزه آنان شد، به گونه‌ای که به صورت یکپارچه در مقابل دشمن متجاوز ایستادند و جان خود را نثار کردند و حماسه‌هایی ماندگار آفریدند تا آیندگان از آن درس عبرت بگیرند.

د - نقاط ضعف دشمن

یکی دیگر از مهم‌ترین عواملی که سبب موفقیت نیروهای مسلح ایران در عملیات بیت‌المقدس و سایر عملیات‌های مهم گردید، نقاط ضعف مختلفی بود که در ارتش عراق وجود داشت. یکی از این نقاط ضعف، تنزل و تزلزل شدید روحیه و عدم میل و انگیزه برای جنگیدن در میان پرسنل ارتش عراق بود.

روحیه عاملی است که دکترین نظامی آن را معادل سه چهارم قوای نظامی تعریف کرده‌اند و هر طرفی که از وجود آن بهره‌مند گردد، برگ برنده در دست وی خواهد بود. «از عوامل تزلزل روحیه و دلسردی نیروهای عراقی، سوء رفتار و خشونت افسران ارتش عراق با زیردستان خود و تمایز بین افسران و پرسنل بعضی با سایرین گزارش گردیده است. پرسنل بعضی از موقعیت و جایگاه برتر و ویژه‌ای نسبت به سایر نیروها برخوردار بودند که حاکی از تبعیض شدید بین نیروهای عراقی بود و قطعاً در تنزل روحیه و ضعف میل جنگجویی آنان مؤثر بود.»

از دیگر نقاط ضعف ارتش عراق، می‌توان به عملکرد ضعیف و غیرمنتظره عملیاتی آن اشاره کرد، که گاهی تا مرز ابلهی نظامی پیش‌رفته است. مصداق این ادعا اشتباه بزرگ و فاحش تاکتیکی ارتش عراق در گسترش نیروها در عملیات بیت‌المقدس بود که لشکرهای ۵ و ۶ خود را در منطقه اهواز و پشت آبگرفتگی‌های وسیع ایجاد شده توسط نیروهای ایرانی عاطل و باطل نگه‌داشته بود. از دیگر خطاهای نظامی ارتش عراق عدم اشغال ساحل رودخانه کارون در عرض حدود ۴۰ کیلومتر بود که به عنوان یک سرپل حیاتی نقش مهمی در موفقیت عملیات بیت‌المقدس و آزادسازی خرمشهر ایفا نمود، بنابراین حداکثر استفاده از نقاط ضعف دشمن که در عملیات‌های قبلی تجربه شده بود، از مهم‌ترین عواملی بود که نیل به موفقیت ایران در جنگ با عراق را تسهیل نمود.

نتیجه‌گیری:

از یافته‌های این پژوهش می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد:

۱. حضور گسترده نیروهای مردمی در جبهه‌ها که غربی‌ها آن را به تاکتیک موج انسانی تعبیر کردند، مهم‌ترین نقش و کارکرد را در پیروزی نیروهای مسلح ایران در چهار عملیات بزرگ ثامن‌الائمه (شکست حصر آبادان)، طریق‌القدس (آزاد سازی بستان)، فتح‌المبین (آزاد سازی منطقه عمومی شوش و دزفول) و بیت‌المقدس (آزادسازی خرمشهر) داشته‌اند. این حضور ناشی از قوت و ریشه‌دار بودن عقاید و باورهای جمعی مردم ایران بود که پارسونز از آن به خرده نظام فرهنگی یاد کرده است.
۲. پس از حذف بنی‌صدر، همکاری و همیاری مثال‌زدنی و قابل‌توجهی با توصیه رهبر انقلاب و با تلاش و کوشش شهید صیاد شیرازی که مسئولیت فرماندهی نیروی زمینی ارتش را بر عهده داشت، بین نیروهای مسلح شکل گرفت. این

هماهنگی پیوند و وحدتی عمیق بین ارتش و سپاه ایجاد نمود. وحدتی که موفقیت‌ها و پیروزی‌های بزرگی مانند آزادسازی خرمشهر و هزاران کیلومتر مربع از خاک ایران را به دنبال داشت. این وحدت، انسجام، یکپارچگی و پیروزی‌های ناشی از آن مدیون انقلاب، رهبر انقلاب و شهید صیاد شیرازی بود که نقش خود را به خوبی ایفا نمودند.

۳. بدون تردید، روحیه و انگیزه جنگیدن برای هر موفقیتی ضروری است. سرچشمه روحیه بالای نیروهای مسلح و نیروهای مردمی ایران که فوج فوج به سوی جبهه‌ها سرازیر شده بودند، قطعا همان آرزوها، ایده‌ها و آداب و رسوم ریشه‌داری است که عشق به شهادت را در میان آنان افزایش داده بود و در این راه از هم‌دیگر سبقت می‌گرفتند. نیرویی که جز با انهدام دشمن و بیرون راندن وی از خاک پاک وطن، آرام نمی‌گرفت. عاملی که موفقیت‌های بزرگی را رقم زد.

۴. در جنگ هر نیرویی که فاقد روحیه باشد، محکوم به شکست است. عدم روحیه و انگیزه جنگیدن در نیروهای عراقی بزرگترین نقطه ضعف ارتش عراق بود. این ضعف خود ناشی از عوامل مختلفی مانند تبعیض، خستگی، فرسودگی و ... بود از نقاط ضعف دیگر ارتش عراق که کمک زیادی به موفقیت‌های ایران نمود، ضعف تاکتیکی و عملیاتی بود. نیروهای مسلح ایران با طرح‌ریزی مناسب و سرعت عمل در اجرای عملیات‌ها و استفاده صحیح از نقاط ضعف شناخته شده دشمن، ارتش عراق را غافلگیر و آن را به پذیرش شکست وادار نمودند.

منابع و مأخذ

۱. بختیاری، مسعود، «عملیات طریق القدس - آزاد سازی شهر بستان»، تهران: ایران سبز، چاپ اول، ۱۳۸۰، صفحه ۲۰.
۲. بختیاری، مسعود، «عملیات طریق القدس - آزاد سازی شهر بستان»، تهران: ایران سبز، چاپ اول، ۱۳۸۰، صفحات ۲۰ و ۲۱.
۳. درودیان، محمد، آغاز تا پایان (سالنمای تحلیلی)، ۱۳۷۹. صفحه ۵۳.
۴. هیات معارف جنگ شهید سپهبد علی صیاد شیرازی، معارف جنگ (جلد دوم)، صفحات ۱۴ الی ۱۸.
۵. ادیبی سده، مهدی، «جامعه‌شناسی جنگ و نیروهای نظامی»، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، چاپ ششم، ۱۳۸۵. صفحه ۵.
۶. تنهایی، ح. ا، «درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی»، مشهد: مرنديز: بامشاد، ۱۳۸۳. صفحات ۱۸۳ و ۱۸۵.
۷. تنهایی، ح. ا، «درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی»، مشهد: مرنديز: بامشاد، ۱۳۸۳. صفحات ۱۸۳ و ۱۸۶.
۸. تنهایی، ح. ا، «درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی»، مشهد: مرنديز: بامشاد، ۱۳۸۳. صفحات ۱۸۳ و ۱۸۶.
۹. تنهایی، ح. ا، «درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی»، مشهد: مرنديز: بامشاد، ۱۳۸۳. صفحه ۱۸۶.
۱۰. درودیان، محمد، «خونین شهر تا خرمشهر»، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۹. صفحات ۶۶ و ۶۷.

۱۱. مجموعه مقالات برگزیده کنگره بزرگداشت سرداران شهید و بیست و سه هزار شهید استان اصفهان، ۱۳۷۵، صفحه ۶۹.
۱۲. معین وزیری، نصرت الله، «تحلیل عملیات بیت المقدس»، تهران: ارتش جمهوری اسلامی ایران، انتشارات دافوس، ۱۳۸۲. صفحات ۱۶ و ۱۷.
۱۳. درودیان، محمد، «خونین شهر تا خرمشهر»، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۹. صفحه ۶۸.
۱۴. بختیاری، مسعود، «عملیات طریق القدس - آزاد سازی شهر بستان»، ۱۳۶۰، صفحه ۶۶.
۱۵. بختیاری، مسعود، «عملیات طریق القدس - آزاد سازی شهر بستان»، ۱۳۶۰، صفحه ۹۸.
۱۶. بختیاری، مسعود، «عملیات طریق القدس - آزاد سازی شهر بستان»، ۱۳۶۰، صفحه ۱۵۶.
۱۷. مجموعه مقالات نخستین همایش علمی - سراسری بررسی ویژگیها و عوامل خلاقیت و ابتکار عمل در رزمندگان اسلام در دفاع مقدس، جلد دوم، ۱۳۸۳، صفحه ۲۰۹.
۱۸. معین وزیری، نصرت الله، «تحلیل عملیات بیت المقدس»، تهران: ارتش جمهوری اسلامی ایران، انتشارات دافوس، ۱۳۸۲. صفحه ۷۴.
۱۹. معین وزیری، نصرت الله، «تحلیل عملیات بیت المقدس»، تهران: ارتش جمهوری اسلامی ایران، انتشارات دافوس، ۱۳۸۲. صفحات ۷۸، ۷۹، ۸۰.